

Reviewing and analyzing the educational activities of the church missionary association in Kerman from the constitution to the end of the first Pahlavi

Reza vasegh abbasi¹  and Soleyman Heidari ²

1. PhD student of Iranian history after Islam, Shiraz University, Iran.

E-mail: f.ghalavand@pnu.ac.ir

2. Associate Professor of History Department of Shiraz University Iran.

E-mail: Soheidari@shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-06-07

Revised : 2024-08-24

Accepted: 2024-08-27

Available online

16 July 2025

Keywords:

Education,
Tablighi Association,
Pahlavi,
Kerman,
Missionary schools,
Constitutionalism.

ABSTRACT

The Constitutional Revolution brought about significant transformations in Iran's modern history, moving the traditional Qajar-era society toward modernity and drawing the state's attention to educational issues. The emergence of modern education and the felt need for new foundations of modern civilization coincided with the arrival of Western missionary delegations, particularly the Church Missionary Society. While these groups ostensibly provided educational, cultural, and medical services, their underlying aim was the promotion and propagation of Christianity. Adopting a descriptive-analytical method and a historical approach based on both domestic and foreign sources and documents, this study examines the educational activities of the Church Missionary Society in the city of Kerman and seeks to answer the question of what role and objectives the Society pursued in expanding education there. The research findings show that although the Church Missionary Society's actions, including the establishment of new schools, played an important role in promoting education in the city of Kerman, it failed to achieve its main goal of spreading Christianity due to the resistance of the people, the opposition of the government, and the scholars.

Cite this article: Vasegh Abbasi, Reza; Heidari, Soleyman (2025). The position of Beglarbey, its duties and functions in the states and provinces in the Qajar period from the beginning of the, 50 (2), 6-31. <https://doi.org/10.22034/skh.2023.16138.1414>



<https://doi.org/10.22034/skh.2023.16138.1414>

© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

بررسی و تحلیل فعالیت‌های آموزشی انجمن تبلیغی کلیسا در کرمان از مشروطه تا پایان پهلوی اول رضا واثق عباسی^۱ | سلیمان حیدری^۲

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: R.vacegh@gmail.com

۲. نویسنده مسؤول، گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: Soheidari@shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی	نهضت مشروطه موجب تحولات چشمگیری در تاریخ معاصر ایران گردید و توانست جامعه سنتی عصر قاجار را به سمت مدرنیته سوق دهد و توجه دولت را به مسائل آموزشی جلب نماید. آموزش‌های نوین و احساس نیاز به بنیادهای جدید تمدن مدرن مقارن با ورود هیات‌های مبلغان تبشیری از غرب و به‌خصوص انجمن تبلیغی کلیسا همراه بود. اقدامات این گروه‌ها در ظاهر ارائه خدمات آموزشی، فرهنگی و پزشکی، اما در نهان برای تبلیغ و ترویج مسیحیت انجام گرفت. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تاریخی با تکیه بر منابع و اسناد داخلی و خارجی، به بررسی فعالیت‌های آموزشی انجمن تبلیغی کلیسا در شهر کرمان می‌پردازد و درصدد پاسخ به این سوال است که نقش و اهداف انجمن تبلیغی کلیسا از گسترش آموزش در شهر کرمان چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اگرچه اقدامات انجمن تبلیغی کلیسا از جمله تاسیس مدارس نوین نقش مهمی در اعتلای آموزش در شهر کرمان داشت اما با مقاومت مردم، مخالفت حکومت و علماء نتوانست در رسیدن به مقصود اصلی خود جهت گسترش مسیحیت کامیاب شود.
کلیدواژه‌ها: آموزش، انجمن تبلیغی، پهلوی، کرمان، مدارس میسیونری، مشروطیت.	

استناد: واثق عباسی، رضا؛ حیدری، سلیمان (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل فعالیت‌های آموزشی انجمن تبلیغی کلیسا در کرمان از

مشروطه تا پایان پهلوی اول. سخن تاریخ، ۵۰ (۲)، ۳۱-۶

<https://doi.org/10.22034/skh.2023.16138.1414>



مقدمه

از دوره قاجاریه (۱۱۷۵-۱۳۰۴ ه.ش) کشورهای بزرگ و استعمارگر، دیپلماسی و سیاست نفوذ به وسیله آموزش نوین و تعلیم کودکان به سبک غربی را جایگزین شیوه‌های نظامی نمودند و با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید شروع به سرمایه‌گذاری در نقاط استراتژیک ایران کردند. مهمترین این کشورها در این مقطع روس و انگلیس بودند که ایران را بر اساس موافقت نامه سری ۳۱ اوت ۱۹۱۵م. به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم نموده و آنرا به شکل یک کشور نیمه مستعمره در آوردند. (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۵؛ دنسترویل، بی‌تا: ۶) مناطق شمالی ایران با توجه به همسایگی با روسیه در دست روس‌ها و مناطق جنوبی در اختیار انگلیسی‌ها قرارگرفت. حفظ صفحات جنوبی با توجه به همسایگی با هندوستان، مسأله خلیج فارس و نفت از اهمیت فراوانی برای انگلستان برخوردار بود. البته ناگفته نماند که کشورهای دیگر هم از جمله آمریکا در صفحات شمال غربی ایران فعالیت داشتند.

انگلیسی‌ها در راستای گسترش اهداف استعماری خود در ایران در مناطق مرکزی و جنوبی خصوصا اصفهان، کرمان، شیراز و یزد مستقر شدند و با حمایت کلیسای پروتستان با تاسیس مدارس و توسعه آموزش مدرن و همچنین ساخت بیمارستان و ترویج پزشکی نوین به فعالیت در مناطق ذکر شده پرداختند. رویکرد آنها به تقابل میان آموزش نوین و سنتی در عصر قاجار می‌پرداخت که به شکل مکتب‌خانه ای وجود داشت. تعلیم در مدارس سنتی بیشتر به آموزش الفبا، خواندن قرآن واحکام مذهبی، حساب و شعر و ادب فارسی (مانند بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ، مثنوی مولوی و...) معطوف بود. این مدارس سنتی به روش یکسان آموزشی و زیر نظر دولت فعالیت نمی‌کردند. (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۱۰-۹) در مقابل در مدارس نوین آموزش با برنامه‌ریزی دقیق و تدریس علوم جدید همراه بود، دروسی که در این مدارس تدریس می‌شد شامل تاریخ، جغرافیا، ادبیات، ریاضی، خیاطی، حقوق، عربی، انگلیسی، فرانسوی، ورزش و هندسه بود. (ساکما، ۲۹۷/۰۱۱۶۳۰، ۵)

تحولات سیاسی- اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار، جامعه را با شرایطی روبه رو کرد که بسیار با فضای سنتی تفاوت داشت. روشنفکران این دوره به ضرورت تحول در جامعه پی برده بودند. تاسیس دارالفنون، اعزام دانشجو به خارج، انتشار روزنامه و ترجمه کتاب‌های گوناگون، ضرورت انجام اصلاحات آموزشی و فرهنگی را در جامعه اجتناب ناپذیر نموده بود. اولین مدارس به سبک جدید در ایران توسط میسیونرهای خارجی بنیاد نهاده شد. تاسیس مدارس میسیونری در دوره

محمدشاه (۱۲۱۳ - ۱۲۲۶ هـ. ش) آغاز و سپس در دوره ناصرالدین شاه (۱۲۲۶ - ۱۲۷۴ هـ. ش) شتاب بیشتری به خود گرفت. این مدارس سبب یک تحرک اجتماعی گردید که طرز تفکر سنتی و مدرن را در مقابل یکدیگر قرار می‌داد. اما در نهایت جریان نوگرایی توانست با اتخاذ شیوه‌های خاص و مناسب جامعه ایران به تدریج پیروز شود و بر مقاومت سنت‌گرایان غلبه کند. این پژوهش به روش توصیف همراه با تحلیل و شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد موجود در مراکز اسنادی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، اسناد دانشگاه بیرمنگام انگلستان و موزه آموزش و پرورش کرمان (آگپرا) به رشته تحریر در آمده است. هدف این مقاله رسیدن به این پاسخ است که هدف انجمن تبلیغی کلیسا از تاسیس مدرسه در کنار بیمارستان و کلیسا در شهر کرمان چه بوده است؟ برای رسیدن به پاسخ در ابتدا اشاره‌ای کوتاه به فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در ایران می‌شود و در قسمت‌های بعدی مقاله به مدارس انجمن تبلیغی کلیسا و فعالیت‌های آنها در کرمان می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی که به بررسی موضوع پیش رو بپردازد انجام نگرفته است، هرچند علیرضا سمیع‌آذر (۱۳۷۶) در کتاب خود با عنوان «تاریخ تحولات مدارس در ایران» و سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۷۸) در کتاب «اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی» به صورت گذرا به مدارس خارجی پرداخته‌اند؛ اقبال قاسمی‌پویا (۱۳۷۸) در کتاب «مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان» نگاهی به مدارس جامعه میسیونری در ایران از جمله شهر کرمان دارد، صفورا برومند (۱۳۸۱) هم در کتاب «پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه» به صورت مفصل‌تری به فعالیت‌های میسیونرهای پروتستان در ایران پرداخته و به مدارس آنها اشاره می‌کند، فاطمه بیگم روح‌الامینی (۱۳۸۴) در کتاب «آموزش و پرورش کرمان در آینه تاریخ» به مدارس جامعه میسیونری در کرمان اشاره کرده، او (۱۳۸۶) همچنین در مقاله‌ای با عنوان «مدارس کرمان در دوره مشروطه» بار دیگر به بررسی مدارس کرمان پرداخته است. اما این پژوهش‌ها به صورت گذرا به مدارس میسیونری در کرمان اشاره کرده‌اند و هیچ‌کدام به صورت تفصیلی به بررسی فعالیت‌ها و اقدامات انجمن تبلیغی کلیسا در حوزه مدارس کرمان نپرداخته‌اند.

گذری بر تاریخچه آموزش و پرورش در کرمان

آموزش از صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار به صورت کاملاً سنتی و به شکل مکتب خانه‌ای اداره می‌گردید. وضعیت آموزش در کرمان هم بی‌شبهت به سایر نقاط ایران نبود. ایرانیان پس از حضور اتباع خارجی و مسافرت به فرنگ در دوره قاجار با تمدن جدید و آموزش مدرن آشنا شدند و درصدد ایجاد مراکز آموزشی نوین برآمدند که نخستین آنها تأسیس دارالفنون بود. در دوره مشروطه چهار نوع مدرسه به سبک جدید در کرمان تأسیس گردید: نخستین آنها مدارس خارجی‌ان بود که توسط انگلیسی‌ها بنیاد نهاده شد، سپس زرتشتیان اقدام به احداث مدرسه کردند و نقش مهمی در تعالی فرهنگی و آموزشی شهر کرمان ایفا نمودند، در ادامه مدارس دولتی و ملی (نقیبی، ۱۳۹۳: ۱۶ و ۱۳) هم -مانند نصرت ملی- تشکیل شد و به این صورت آموزش در کرمان متحول و از شکل مکتب خانه ای خارج گردید.

انجمن تبلیغی کلیسا در ایران

عصر قاجار مصادف با دوره فعالیت مبلغان مسیحی به ویژه مبلغان پروتستان بود که در ادبیات و تاریخ مسیحیت از آن به عنوان «قرن بزرگ» یاد می‌شود. همزمان با گسترش فعالیت پروتستان‌ها، انجمن‌های تبلیغی بسیاری مانند هیات بازل از آلمان، پرسبیتری‌ها از آمریکا^۱، انجمن‌های اشاعه مسیحیت در میان یهودیان^۲ و هیات سراسقف اعظم کانتربوری برای آسوریان -نسطوریان (تشکری، ۱۳۹۴: ۳۷) به ایران آمدند که همگی بیانگر سطح گسترده تلاش اروپاییان برای اشاعه نفوذ و کسب اطلاعات از طبقه‌های مختلف اجتماعی بود. از میان این انجمن‌ها، انجمن تبلیغ در آفریقا و شرق که بعدها به انجمن تبلیغی کلیسا تغییر نام داد، توانست نفوذ و حضور خود را گسترش دهد. انجمن تبلیغی کلیسا یکی از اولین هیات‌های پروتستانی بود

۱ - مبلغان آمریکایی پرسبیتری اولین نمایندگان سیاسی ایالات متحده آمریکا در ایران بودند که تا پایان قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری قمری اصلی‌ترین نمایندگان دولت آمریکا به شمار می‌آمدند. (برومند، ۱۳۸۱: ۲۳۶) مبلغین آمریکایی ابتدا به میان مسیحیان آذربایجان رفتند تا به مرور از طریق فعالیت‌های تبلیغی بتوانند در سراسر آسیا نفوذ کنند. در سال ۱۸۸۱م. / ۱۲۶۰هـ. ش. هیأتی از جانب اسقف کانتربوری انگلستان به آذربایجان اعزام گردید. این هیأت را «آشوریان» نسطوری خطاب می‌کردند. (حاجیان پور و خاموشی، ۱۳۹۵: ۲۰)

۲ - جوزف ولف اولین مبلغ انگلیسی از طرف انجمن مبلغین انگلیکان و انجمن ترویج مسیحیت در میان یهودیان (CMJ) در شهر لندن بود که در سال ۱۸۲۱م. به سمت ایران حرکت کرد و در ۱۸۲۴م. وارد بوشهر شد. (Van Gorder, 2010: 129)

که در اواخر قرن هجدهم میلادی تحت تأثیر جنبش‌های انجیلی در بریتانیا تأسیس شد. از آنجا که انجمن تبلیغی برای گسترش فعالیت نیاز به بستری مناسب داشت تا بتواند توجیه‌گر اقدامات خود باشد، ابتدا به تبلیغ مسیحیت در جامعه مسلمان ایرانی با انتشار ۲۰ هزار جلد انجیل، ۶۴ هزار جلد عهد جدید به همراه عهد عتیق و مزامیر پرداخت (رهدار، ۱۳۸۶: ۲۹) و بیشتر تمرکز خود را بر شهرهای اصفهان با ۱۹۰ هزار نفر، کرمان با ۵۰ هزار نفر، شیراز ۴۰ هزار نفر، یزد ۳۰ هزار نفر و بوشهر ۳۰ هزار نفر جمعیت معطوف کرد. (Wilson Cash, 1930: 28) هنری مارتین^۱ و رابرت بروس^۲ از نمایندگان این انجمن به ایران آمدند و اقدامات رسمی خود را آغاز و سنگ بنای فعالیت‌های انجمن CMS را در ایران بنیان نهادند، البته اقدامات آنها در ابتدا با شدت عمل علما روبه رو شد و نتوانست راه به جایی ببرد. چرا که اقتدار و نفوذ علما در میان مردم ایران، آمادگی علما برای پاسخگویی به سوالات مبلغان مسیحی و عدم گرایش مردم به تغییر دین خود از اسلام به مسیحیت بیانگر شکست آنان در این زمینه بود. به نظر می‌رسد که به تدریج مبلغان مسیحی با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی ایران از روش تبلیغ مستقیم ناامید شدند و به روش‌های جدید گرایش یافتند. (والد بورگر، ۱۳۷۹: ۹۸ و ۹۹) «فاندر» از کشیشان مسیحی با حمایت «بلومهارت» بازرس انجمن تبلیغی کلیسا طرح تبلیغ غیرمستقیم در میان مسلمانان را مطرح کرد. این طرح از آن رو که سبب از بین رفتن بدبینی‌ها نسبت به فعالیت مبلغان مسیحی می‌شد و به تبع آن مقاومت روحانیون، نخبگان و مردم را در برابر آنان کاهش و از طرفی نفوذ آنان را در جامعه افزایش می‌داد، مورد استقبال قرار گرفت. تأسیس مدرسه، بیمارستان و سازمان‌های اجتماعی اقداماتی بود که به مبلغان این امکان را می‌داد که تحت پوشش فعالیت‌های عام‌المنفعه، دین مسیحیت را تبلیغ نمایند. (Rzepka, 2019: 214) بنابراین امور آموزشی و پزشکی «کلید طلایی ورود به قلب مسلمانان» معرفی شد. (Hume-Griffith, 1909: 140)

۱ - از مبلغین مسیحی پروتستان بود که ابتدا در هند و سپس به ایران آمد. وی ارائه دهنده ترجمه‌ای روان، دقیق و شیوا از عهد جدید به فارسی بود و این کار را گام مهمی در انتشار مسیحیت در ایران می‌پنداشت. (اسفندیار، ۱۳۸۶: ۳۵) اقدامات هنری مارتین در ایران را می‌توان نمونه روشنی از اتحاد و پیوند دو جریان میسیونری و استعمار دانست. (محمدی و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲)

۲ - رابرت بروس (Robert Bruce) اولین پزشک هیأت تبلیغی است که توانست فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا را به جامعه ایران معرفی کند. مردم از اقدامات او و همسرش که به مداوای بیماران و پانسمان زخم‌ها می‌پرداختند بسیار راضی بودند. (Bird, 1908: 19)

اقدامات انجمن تبلیغی

مبلغان غربی عقیده داشتند مدارس میسیونری دروازه‌های تمدن غربی را به روی دانش‌آموزان می‌گشاید و آنها را از شیوه زندگی شرقی ناراضی می‌سازد (شوادران، ۱۳۵۲: ۳) به همین جهت عدم تناسب میان مدارس میسیونری و روشهای تدریس آنها با شیوه‌های سنتی رایج در نظام‌های آموزشی بیشترکشورهای شرقی، از جمله نکاتی بود که مبلغان امیدوار بودند موجب جذب بیشتر دانش‌آموزان به مدارس آنها شود. هدف این مبلغان از ایجاد مدارس و آموزش علوم جدید، افزایش مهارت و کارآیی جوانان نبود؛ بلکه هدف تبلیغ مسیحیت و آموزش فرهنگ و زبان‌های غربی به مردم بود. از همین رو در کشورهای اسلامی تاسیس مدارس آموزش رایگان و اقامت شبانه‌روزی برخی از دانش‌آموزان به مبلغ اجازه می‌داد به‌طور مستمر با شاگردان خود ارتباط داشته باشند (نظری، ۱۳۷۱: ۲۵۰) «به‌عنوان یک قاعده، به نظر می‌رسید که مردان بیشتر از زنان به سخنرانی‌ها و خواندن کتاب مقدس توجه می‌کنند، اما ما فقط می‌توانیم دعا کنیم که بذر کاشته شده، چه در این یا آن قلب، میوه‌ای را برای جلال آرمان مسیح به بار آورد».

(Letters from the Front, 1911-1912: 233)

اما از نظر آنان دو جنبه اصلی فعالیت‌های تبلیغی که نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دینی مسیح داشتند عبارت بودند از: تعلیم و تربیت که شاید بتوان آن را گامی اولیه جهت تغییر دین دانست و دوم رهایی زنان ایرانی. اولی توانایی ذهنی و فکری و در حالی که دومی عادات اجتماعی و فرهنگی را تغییر داد. (Rezapka, 2019: 211) این اقدامات پنهان و آشکار آنها جهت تبلیغ مسیحیت و ترویج فرهنگ غربی میان دانش‌آموزان، نارضایتی و اعتراض جامعه مسلمان ایرانی به‌ویژه والدین از تدریس انجیل به دانش‌آموزان مسلمان و اجبار آنها برای حضور در مراسم دعا را در پی داشت. این اعتراضات اگرچه گاهی به تعطیلی کوتاه‌مدت مدارس منجر می‌شد، اما به‌طور کلی عزم جدی برای پایان دادن به این تبلیغات در سراسر دوره قاجار دیده نمی‌شد. دلایل اصلی این تعلل را می‌توان در حمایت دولتهای غربی از مبلغان و ناآگاهی دولت ایران از اهداف اصلی فعالیت‌های آموزشی آنها و دلخوشی به آموزش علوم جدید در این مدارس دانست. (همراز، ۱۳۹۷: ۱۱۸ و ۱۱۷)

مدارس نوین و رویکرد ایرانی‌ها نسبت به آنها

مدارس جدید تبشیری با شیوه‌های نوین آموزشی در تقابل با روش‌های سنتی مکتب‌خانه‌ای قرار گرفت که خود تحول مهمی در گفتمان ایدئولوژیکی تجدد و نوسازی به‌وجود می‌آورد (رینگر،

۱۳۷۹: ۷۳). این مدارس از آن جهت جدید نامیده شدند که هم از نظر سبک آموزش و هم از نظر ساختار منطبق بر روش‌های نوین غربی بودند. (مرشدلو، ۱۳۸۵: ۷۱)

مدرسه «جاستین پرکینز» مدارس دخترانه ارومیه، مدرسه «آدونیس» آمریکایی، مدرسه «خواهران سن ونسان اوپل» فرانسوی، مدرسه «اناث» آمریکایی و مدارس انگلیسی «مرسلین» از جمله مدرسی بودند که توسط هیات‌های تبلیغی در ایران تاسیس شدند. این مدارس توسط هیات‌های تبلیغی اداره می‌شدند و مدیران و معلمان این مدارس اغلب آمریکایی یا اروپایی بودند، و از برنامه‌های خاصی نیز پیروی می‌کردند. (امید، ۱۳۳۲: ۸۹-۹۰، ۲۳۷-۲۳۸) اگرچه با تاسیس تدریجی مدارس خارجی شمار آنها در دوره مشروطه در سراسر کشور رو به افزایش گذاشت اما در ارتباط با این جریان دو ایده وجود داشت: اول دیدگاه علمای مذهبی بود که مخالفت‌هایی نیز از طرف آنها نسبت به تاسیس اینگونه مراکز جدید شکل گرفت. از نظر آنها این مدارس از دو جهت محل مناقشه بود: ۱- از این جهت که موسسان آنها بیشتر اتباع بیگانه و یا اقلیت‌های مذهبی بودند. ۲- مواد درسی این مدارس با آموزه‌های اسلامی ناسازگار بود. دوم دیدگاه روشنفکرانی همچون طالبوف و زین العابدین مراغه‌ای بود که آموزش به شیوه نوین را به عنوان اکسیر سیاسی و اجتماعی می‌دانستند که از این طریق عامه مردم باسواد و در نتیجه قدرت و سعادت مملکت رقم می‌خورد. (رینگر، ۱۳۷۹: ۷۷) این گروه از روشنفکران همچنین بر این عقیده بودند که برنامه آموزشی مدارس نوین که در آن دروسی همچون تاریخ، هندسه، حساب، فیزیک، شیمی، ادبیات و آموزش زبان‌های اروپایی تدریس می‌شد بر آموزش‌های مکتب‌خانه‌های سنتی ارجحیت دارد چرا که در آموزش، خواندن و نوشتن کودکان از کارایی بیشتری برخوردار است. (رینگر، ۱۳۷۹: ۷۸) از دید آنان ایجاد مدرسه از نان شب هم واجب‌تر به نظر می‌رسید. (آدمیت، ۱۳۶۳: ۸۰) در نهایت تقابل این دو دیدگاه به پیروزی جناح روشنفکر انجامید تا جایی که دولت با ایجاد چند مدرسه به آموزش نوین روی آورد. از جمله مراکز آموزشی انجمن تبلیغی مدرسه پسرانه مرسلین و مدرسه دخترانه دوشیزگان اتحادیه در کرمان بود که در ادامه به بررسی بیشتر آنها خواهیم پرداخت.

مدارس انجمن تبلیغی کلیسا در کرمان

موقعیت اقتصادی و استراتژیک کرمان در دوره قاجار که از یک سو مهم‌ترین قطب قالی بافی ایران و از سوی دیگر در مسیر تجاری انگلیس با هند قرار داشت، سبب گردید انگلیسی‌ها

نیروهای خود را به منطقه فرستاده و با ساختن کنسولگری و همچنین فرستادن چندین مبلغ مذهبی، فعالیت‌های خود را در شهر کرمان آغاز کنند. آنان اقدامات فرهنگی خود را در سال ۱۸۹۷م. / ۱۲۷۶هـ.ش با ساخت اولین مدرسه پسرانه به نام C.M.S و در سال ۱۹۰۱م. / ۱۲۸۰هـ.ش با تأسیس اولین مدرسه دخترانه آغاز نمودند. ناگفته نماند که در تقابل با تأسیس مدارس توسط خارجی‌ان اولین مدرسه ملی در کرمان به نام مدرسه نصرت ملی به همت گروهی از فرهنگ دوستان به سال ۱۹۰۶م. / ۱۲۸۴هـ.ش پایه گذاری شد. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۸۱)

مدرسه پسرانه انگلیسی مرسلین

مدرسه پسرانه سی.ام.اس (C.M.S BOYS SCHOOL) که مدرسه مرسلین خوانده می‌شد، در سال ۱۸۹۷م. / ۱۲۷۶هـ.ش توسط فرانک ترولیان بارتر اسنو^۱ در کرمان تأسیس شد. (ساکما، ۲۹۷/۳۱۲۴۶، ۲۷ و ۲۲) این مدرسه سپس احمدی و بعدها به‌دستور وزارت معارف به دبیرستان جم تغییر نام داد. (ساکما، ۲۹۷/۳۱۲۴۶، ۳۷ و ۳۶) بعد از آن هم به پهلوی و در نهایت به امام تغییر نام یافت. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۷۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۹۷: ۳۳۱)

محل مدرسه ابتدا در خانه‌ای اجاره‌ای بود، پس از مدتی کار احداث ساختمان دبیرستان در زمان ریاست بایلند^۲ آغاز و در دوره ریاست آلیف^۳ با صرف مبلغ چهارده هزار تومان به اتمام رسید، هیات وزرا هم تصویب کردند که اگر عمارت همیشه مدرسه بماند به مالکیت هیات مرسلین انگلیس ثبت شود. (ساکما، ۳۱۰/۰۵۳۶۵۸، ۱۴-۳) این مدرسه یک مجموعه بزرگ بود که حدود ۳۰ هزار متر مربع وسعت داشت (ساکما، ۲۳۰/۰۴۲۰۸۰، ۱۱۰) مدیران مدرسه از میان اعضای میسیون انگلیسی انتخاب می‌شدند (باستانی پاریزی، ۱۳۹۷: ۳۳۲ و ۳۳۱؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳۸)، بعد از آقای بایلند آقای اوزن^۴ به ریاست مدرسه رسید. (۱۷۸۷۳/۰۲۹۷، ۴-۱) معاونان ایرانی مدرسه مانند محمودخان رضوی و مهدی آرمند بودند. (روح‌الامینی، نادری، صفا، ۱۳۸۴: ۱۲۱) در این مدرسه آموزه‌های مسیحیت مانند: خواندن روزانه دستوراتی از کتاب مقدس (انجیل) (ساکما، ۲۹۷/۳۱۲۴۶، ۴) در مراسم صبحگاهی به این مضمون خوانده می‌شد:

^۱ - Frank Trevelyan Barter Snow (Anonymous, 1900-1921: xxxv)

^۲ - Albert Knox Boyland (Anonymous, 1900-1921: xxix)

^۳ - Reginald Illiff (Anonymous, 1900-1921: xl)

^۴ - Artur Giles Ozanne (Anonymous, 1900-1921: xli)

«ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد. سلطنت تو بپاید. اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروز بما بده و گناهان ما را ببخش، چنانکه ما نیز آنانیکه بر ما تقصیر کردند می‌بخشیم و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شزیر رهایی ده. زیرا که سلطنت و قدرت و جلال و عزت از آن توسست تا ابدالآباد. بخاطر خداوند ما عیسی مسیح، آمین.» خواندن دعا برای معلمین و دانش آموزان الزامی بود (ساکما، ۲۹۷/۰۱۷۴۵۱، ۱۳) (یاطر، ۱۹۰۴: ۱۱۸) به عقیده «رزپکا» دعای در صف صبحگاهی مدرسه به‌عنوان بهترین مبلغ در بین ایرانیان شناخته می‌شد (Rzepka, 2019: 214) پس از مدتی این شیوه مدارس انگلیسی مورد اعتراض قرار می‌گیرد و رییس اداره معارف کرمان نسبت به آموزش و رفتارهای تربیتی در دبیرستان‌های جم و دوشیزگان اتحادیه گزارش محرمانه‌ای در سال ۱۹۳۷ م. / ۱۳۱۶ هـ. ش ارسال کرده و مراتب نارضایتی خود را اعلام می‌دارد. او به وزارت معارف می‌نویسد «طوریکه خاطر مبارک مسبوق است در دبیرستان‌های جم و دوشیزگان اتحادیه چون جزء مدارس اتباع خارجه هست هرچند تمام دبیران و شاگردان مسلمانند ولی صبحها قبل از درس مراسم نماز و دعا به آئین مسیحیان معمول است و بنام درس اخلاق تبلیغات مذهبی هم می‌کنند و غیر از تعطیلات رسمی ایرانی روزهای یکشنبه و اعیاد مذهبی مسیحی را نیز تعطیل می‌نمایند و چون در این خصوص سابقه و دستوری نبود خواهشمند است وظیفه این اداره را نسبت به جلوگیری یا عدم تعرض از اجرای مراسم مزبوره تعیین فرمایند زیرا اخیرا رئیس شهربانی نسبت به جلوگیری از اجرای مراسم مزبوره مذاکراتی مینمود که البته اقدام بدون دستور ممکن است موجب مسئولیت شود- رئیس معارف و اوقاف کرمان» (ساکما، ۲۹۷/۳۱۲۴۶، ۵) بر اساس این گزارش مشخص است که در رابطه با مدارس تبشیری و رفتار آنها حساسیت‌هایی وجود داشت و در دوایر دولتی و مذهبی واکنش‌هایی نسبت به آنها صورت می‌پذیرفت که کار آنان را با دشواری همراه می‌کرد.

انجام مراسم و رفتن به کلیسا در روزهای یکشنبه؛ نشان دادن فیلمی از زندگی حضرت مسیح (ع) هنگام برگزاری جشن مدرسه در سالن اجتماعات و دادن جوایزی به نام هدایای حضرت عیسی مسیح در سبده بزرگ صورت می‌گرفت. آغاز سال تحصیلی مدارس انگلیسی‌ها در کرمان از پانزدهم شهریورماه بود، زیرا برگزاری جشن‌های کریسمس دو هفته به طول می‌انجامید و مدارس در این مدت تعطیل بودند. در روزهای جمعه دانش‌آموزان به همراه مدیر و معلمان به اردوی تفریحی اطراف شهر می‌رفتند، اغلب از الاغ، قاطر و دوچرخه استفاده می‌کردند، عده‌ای هم مجبور بودند پیاده بروند که نیم ساعت زودتر حرکت می‌کردند. در صورتی که

مدرسه موفق می‌شد ماشین باری کرایه کند کف آن را فرش می‌کردند و همه روی آن می‌نشستند، معلمان در طی مسیر هم از تعلیم و تربیت دانش‌آموزان غافل نمی‌شدند. پذیرایی و ناهار به عهده مدرسه بود و در ازای آن از هر دانش‌آموز دو قران دریافت می‌کردند. (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۶۰ و ۵۹) روسای مدرسه برای حفظ ارتباط با دانش‌آموزان در ایام تعطیلات، برای تابستان نیز اردوهای تدارک می‌دیدند، آقای «آدی^۱» در ایناره چنین می‌گوید: به محض اینکه سال تحصیلی مدرسه پسرانه تمام شد یک اردوی داوطلبانه ترتیب داده شد، ما با یک کامیون روباز به سمت روستایی به نام سرآسیاب شیش رفتیم که حدود بیست مایل با کرمان فاصله داشت. (Eastward Ho, 1936: 178)

فرم لباس، شرایط پذیرش دانش‌آموزان و قوانین مدرسه

شکل لباس مدیران مدرسه، کت و شلوار یک‌رنگ و پیراهن سفید با کراوات؛ پوشش معلمان هم تقریباً به همین شکل بود لباس دانش‌آموزان عمدتاً کت و شلوار غیر هم‌رنگ و پیراهن سفید بود، (عکس شماره ۱) به کار بردن این نوع پوشش در تقابل با لباس‌های سنتی و محلی صورت می‌گرفت و این رفتار موجب تمایز دانش‌آموزان و کارکنان مراکز مزبور با عموم مردم می‌شد. بدیهی است این امر خود در ترویج نوگرایی و گسترش گرایش به مدرنیسم موثر واقع می‌شد.



عکس شماره ۱: دانش‌آموزان و معلمان دبیرستان پسرانه چم کرمان

(گنجینه آموزش و پرورش کرمان، موزه آگيرا)

ثبت نام در مدرسه توسط والدین و با ارائه مدارک هویتی و سلامت انجام می‌شد. این اقدامات نیز با پذیرش سنتی محصلان در تعارض بود و به گسترش روحیه نظم‌پذیری و انضباط که لازمه قانون‌پذیری و عقلانیت در فرآیند نوسازی بود می‌انجامید.

در سال ۱۹۱۵ م. / ۱۲۹۴ هـ. ش مدرسه دارای شش کلاس انگلیسی و شش کلاس فارسی و عربی به همراه ۵۵ نفر دانش‌آموز بود که طبق مقررات مدرسه تحصیل برای همه مجانی نبود. بر طبق آمار وزارت معارف در سال ۱۹۲۷ م. / ۱۳۰۶ هـ. ش این مدرسه دارای ۶۸ دانش‌آموز بود که ۳۴ تن از آنان رایگان تحصیل می‌کردند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳۸). این مدرسه در سال ۱۹۳۶ م. / ۱۳۱۵ هـ. ش به دبیرستان تبدیل شد. بدین ترتیب با گذشت زمان اهمیت آموزش‌های نوین در مدارس برای عموم مردم بیشتر آشکار می‌شد و همه ساله بر تعداد دانش‌آموزان افزوده می‌گشت.

برنامه درسی مدرسه

در مدرسه پسرانه دروس تاریخ، دستور زبان انگلیسی، دستور زبان عربی و فارسی، جغرافیا به زبان انگلیسی، هندسه، حساب، دفترداری، جبر (مقابلیه) الکتریسی تدریس می شده است. (ساکما، ۲۹۷/۱۷۴۵۱، ۱۳)

در مدارس انگلیسی علاوه بر اینکه درسی به نام ورزش وجود داشت به دیگر رشته های ورزشی هم توجه می شد، در کرمان نخستین مدرسه ای که زمین مخصوص فوتبال داشت دبیرستان جم بود هرچند این زمین های ورزشی خاکی بود و امکانات و شکل ابتدایی داشت. بر اساس گزارش کارکنان دبیرستان جم در سال ۱۲۹۶ هـ. ش تیم های فوتبال، والیبال، بارفیکس، پارالل، تنیس و ژیمناستیک وجود داشت. (روح الامینی، نادری، صفا، ۱۳۸۴: ۵۵۲ و ۵۵۱) (عکس شماره ۲)



عکس شماره ۲: زمین فوتبال دبیرستان پسرانه جم کرمان
(گنجینه آموزش و پرورش کرمان، موزه آگیرا)

چاپ اطلس ایران

کارگزاران انگلیسی در راستای شناخت هرچه بیشتر ایران و در ورای آن نفوذ راحت تر و گسترده تر، پیشنهاد تهیه اطلس جامع ایران را در دستور کار قرار دادند. در سال ۱۳۱۴ هـ. ش آقای «اسنو» مدیر دبیرستان جم کرمان پیشنهاد می دهد و خود داوطلب می شود تا برای ایران

اطلس و نقشه‌های جغرافیایی تهیه کند، مکاتباتی با وزارت معارف انجام و قرار می‌شود اطلس و نقشه‌ها با شروط زیر تهیه شود: ۱- اطلس‌ها باید به زبان فارسی باشد. ۲- نقشه‌ها مفصل و متعدد از ایران باشد. ۳- قسمت‌های تاریخی در نقشه ذکر شوند. ۴- از لحاظ جغرافیای طبیعی اطلس‌ها کامل باشد. ۵- نقشه ممالک همجوار مانند شوروی، ترکیه، عراق، افغانستان و هندوستان جداگانه تهیه و ضمیمه باشد. پس از بررسی طرح‌های مختلف برای چاپ اطلس در نهایت با همکاری سفارت ایران در لندن، دو شرکت به نام جرج فیلیپ^۱ و جان بارتلمو^۲ که نسبت به سایر موسسات بهتر بودند و برای کشورهای همسایه ایران اطلس تهیه کرده بودند انتخاب شدند. (ساکما، ۰۷۷۸۷/۲۹۷)

مدرسه انگلیسی دوشیزگان اتحادیه

در جامعه سنتی ایران زنان از جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برخوردار نبوده و از حضور آنان در اجتماع ممانعت به عمل می‌آمد. پس از مشروطه و نقش بسزای زنان در این انقلاب، در پاره‌ای از محافل تهران، زنان به ادامه تحصیل تشویق و ترغیب می‌شدند اما در شهرستان‌هایی چون کرمان امکانی برای تحصیل آنان وجود نداشت. از همین رو تأسیس مدرسه دوشیزگان از سوی میسیونرهای مذهبی انگلیسی گامی بزرگ برای شکستن سنت‌های کهن جامعه و بازکردن راهی به سوی نوگرایی تلقی می‌شد. حضور دوشیزگان در مرکز آموزشی انجمن تبلیغی و ارائه آموزش‌های مختلف جهت توانمندسازی بانوان می‌توانست به تحولات بزرگی در جامعه ایران منجر گردد. ناگفته نماند انجمن CMS برای پیشبرد اهداف خود و برای نفوذ هرچه بیشتر در جامعه، آنجا که حوزه فعالیت مبلغان مرد در شرق و به‌ویژه در جهان اسلام محدود بود، بخش قابل توجهی از این فعالیت‌های انجمن بر عهده زنان مبلغ قرار می‌گرفت. روند مشارکت آنان نه تنها در ایران، بلکه در بریتانیا هم فعالیتی نوین برای زنان به‌شمار می‌رفت. (Borumand, 2022: 30) «ماری برد^۳» یکی از مبلغان زن موثر انجمن معتقد بود زنان مهمترین نقش را در «بشارت ایران» بر عهده دارند. (Rice, 1916: 66) حضور زنان مبلغ در ایران چنان موثر واقع شد که پس از مدتی تعداد آنها بر مردان فزونی گرفت. (Francis-Dehqani, 1999: 52).

۱ - George Philip

۲ - John Bartolomeu

۳ - Miss Mary Bird

مدرسه دوشیزگان اتحادیه در سال ۱۹۰۱ م. / ۱۲۸۰ هـ. ش توسط انگلیسی‌ها در کرمان تأسیس شد. مدرسه ابتدا در منزل میرزا آقاخان مستوفی بود و پس از آن در خانه استاد محمود معمارباشی به کار خود ادامه داد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۸: ۳۴۷) هزینه‌های مدرسه نیز از سوی هیات مذهبی و دیگر موسسات خیریه انگلیسی تأمین می‌شد.

برنامه مدرسه دخترانه هم بی شباهت به مدرسه پسرانه نبود به گونه‌ای که پس از یک ساعت درس ۱۵ دقیقه انجیل می‌خواندند و بعد قدری موعظه مبنی بر دعوت به مسیحیت انجام می‌شد، ایام تعطیل روزهای یکشنبه و جمعه بود (ساکما، ۲۹۷/۰۱۷۴۵۱، ۱۴)؛ روز یکشنبه به احترام روز مقدس دین مسیح دانش‌آموزان را به کلیسا می‌بردند ولی اجباری در کار نبود. جشن کریسمس در سالن اجتماعات مدرسه پسرانه مرسلین برگزار و دختران هم باید همراه پسران در آن شرکت می‌کردند. در این جشن هدایایی نیز از طرف حضرت مسیح داده می‌شد. این هدیه‌ها به شکلی بسیار زیبا بسته‌بندی و بر روی درخت سرو چراغانی شده کریسمس قرار می‌گرفتند، برگزاری چنین مراسمی باعث شادی دانش‌آموزان و توجه آنها نسبت به دین و آیین مسیحیان می‌گردید. (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۶۱)

از خانم «تیورت»^۱ به عنوان نخستین مدیر مدرسه دوشیزگان یاد می‌کنند، پس از وی خانم «جانت فلورانس وودراف»^۲ مدیر مدرسه شد و بدین مناسبت بعضاً مدرسه را به نام مدرسه «میس وودراف» می‌خواندند. (ساکما، ۲۹۷/۳۱۲۴۶، ۴۸؛ باستانی پاریزی، ۱۳۹۸: ۳۴۷) ناظم انگلیسی مدرسه خانم گرنی^۳ بود، هر دو تدریس زبان انگلیسی مدرسه را بر عهده داشتند. از مربیان مدرسه خانم هاماس کاردستی و خیاطی را آموزش می‌داد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۴: ۱۵) همچنین خانم «لوئیز»^۴ خیاطی و خانم «ترایتون»^۵ پرستار بیمارستان مرسلین، به همراه خانم «گت‌لین» -خواهر خانم وودراف- دروس بچه‌داری و پرستاری آموزش می‌دادند. (روح‌الامینی، نادری، صفا، ۱۳۸۴: ۱۳۴) به نظر می‌رسد که استفاده این مدارس از معلمان خارجی بستری مناسب برای ورود و پیاده سازی الگوهای آموزش غربی به ایران بود (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶: ۱۹۴) در

۱ - Miss Tyort

۲ - Miss Janet Florence Woodroffe (Anonymous, 1900-1921: xl)

۳ - Miss Gerny

۴ - Miss Louise

۵ - Miss Thrighton

این مدرسه دبیران ایرانی همچون خدیجه ناهیدی، فرخنده زندی و ... (جدول شماره ۱) نیز در کنار کادر انگلیسی مدرسه به تدریس مشغول بودند که اکثر آنها دانش‌آموختگان مدارس انگلیسی بودند (ساکما، ۱۳۶۰/۰۲۹۷: ۵) در سال ۱۹۳۶ م. / ۱۳۱۵ هـ. ش اجازه تاسیس دوره دوم دبیرستان دخترانه دوشیزگان به خانم فلورانس وودراف داده شد. (ساکما، ۱۳۶۶/۰۲۹۷، ۲۷ و ۲۲)

آمار اعضا و دبیرستان دوشیزگان اتحادیه در پایان سال ۱۳۰۹ هـ. ش			
نام و نام خانوادگی	تحصیلات	دبیر	
۱ خانم وودراف		ریاضی - انگلیسی - جغرافیا - اخلاق	
۲ فاطمه خانم صفوی		فارسی - اخلاق	
۳ آریات آسخن تیولسیان		خیاطی - انگلیسی - اخلاق	
۴ فرخنده خانم زندی	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - حساب	
رضویه خانم زندی	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - مشق - جغرافیا	
۶ نوبه خانم نوبی	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - ریاضی - ورزش	
۷ طلوعه خانم تقوی	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - عربی - ورزش	
۸ ربابه خانم رسیدی	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - ریاضی	
۹ نصرت خانم صوری	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - ورزش - حساب	
۱۰ خدیجه خانم ناهیدی	تصدیق کلاس (۸) C.M.S	فارسی - حساب - اخلاق	
۱۱ نیره خانم غریب زاده	تصدیق کلاس (۶) C.M.S	فارسی - خیاطی - مشق	
۱۲ بتول خانم رسیدی	تصدیق کلاس (۶) C.M.S	فارسی - خیاطی - مشق	
۱۳ بی‌بی ربابه ناهیدی		روبنده دوزی	
۱۴ آقا سیدمحمد رضا هاشمی		ادبیات - تاریخ - هندسه	
۱۵ آقا علی اصغر مشتاق زاده		مشق خط	
۱۶ خانم توماس		انگلیسی	

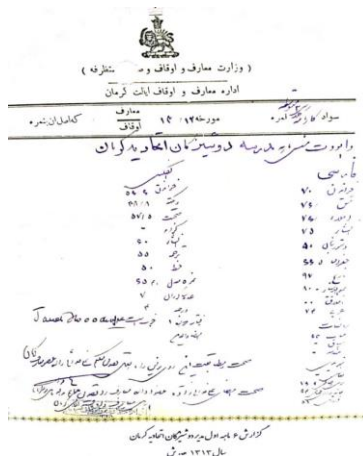
جدول شماره ۱. (ساکما، ۱۳۶۰/۰۲۹۷: ۵)

بر طبق آمار وزارت معارف این مدرسه در سال ۱۹۲۷ م. / ۱۳۰۶ هـ. ش؛ صد و شش دانش آموز داشت که سی تن از آنان رایگان تحصیل می کردند. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳۷) در این مدرسه مدیر شخصا درس موسیقی را به صورت رایگان آموزش می داد، تدریس درس خانه داری (خیاطی، بچه داری و پرستاری) به صورت نظری و عملی بود، برای این منظور بچه شیرخواره فراش مدرسه را برای شستشو می آوردند. با توجه به اینکه انجمن تبلیغی کلیسا موسس بیمارستان مرسلین نیز بود، ارتباط تنگاتنگی بین مدرسه و بیمارستان وجود داشت، گاهی اوقات دانش آموزان را جهت آشنایی و یادگیری پرستاری و نگهداری بیماران و گاهی اوقات جهت معالجه و جراحی به بیمارستان می بردند. (روح الامینی، ۱۳۸۶: ۶۱)

مجموعه این امکانات و اقدامات سبب حضور هرچه بیشتر بانوان در عرصه فعالیت های مدنی می شد و این خود به تغییر در فضای فرهنگی جامعه می انجامید.

دروس مدرسه

حضور بانوان در عرصه آموزش و تعلیم و تربیت در ایران عصر قاجار منحصر به مکتب خانه می شد که صرفا آموزش قرآن در آن جاری بود. لذا آشنایی با علوم جدید که مبنای آینده جامعه مدنی را شکل می داد می توانست فاصله زنان و مردان را در عرصه علم و فرهنگ کاهش داده و راه را برای برقراری عدالت اجتماعی هموار نماید. از این رو علوم و دروس نوین چون انگلیسی، الکتریسیته، شیمی، تاریخ، حساب، ریاضیات، فیزیک، جغرافیا و غیره در مدرسه دوشیزگان اتحادیه تدریس می شد. (برومند، ۱۳۸۱: ۱۶۴؛ سند شماره ۱ و ۲)



سند شماره ۱۰۲: گزارش ۶ ماهه و تصدیق نامه مدرسه دوشیزگان اتحادیه کرمان

(گنجینه آموزش و پرورش کرمان، موزه آگیرا)

یکی از مهمترین دورسی که در مدرسه به آن توجه ویژه می شد زبان انگلیسی بود. مبلغان انجمن معتقد بودند یکی از رسالت‌های آنها تدریس زبان انگلیسی در مدارس برای آشنا نمودن نسل جدید جامعه قاجار با مسیحیت و تمدن غربی بود. (Borumand, 2022, 37)

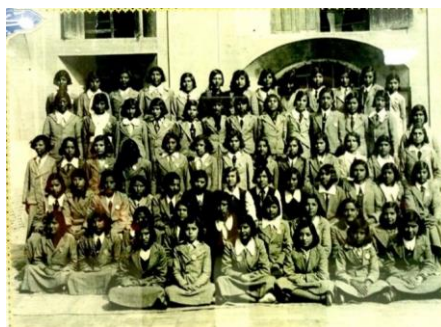
همچنین تدریس زبان فارسی هم در این مدرسه از اهمیت فراوانی برخوردار بود تا برخی از دانش آموزان دختر بتوانند کتاب مقدس را به سایر زنان ایرانی معرفی کنند. خواندن کتاب مقدس در کلاس‌های درس یا تشکیل جلسات برای رسیدن به این منظور بود. (Borumand, 2022, 35)

چرا که باورهای تبلیغی مبنی بر اینکه کتاب مقدس به زبان مادری توانسته مردم را به مسیحیت بیاورد، نشان دهنده پیش فرض رایج اهمیت زبان فارسی در کار آنها در میان ایرانیان بود. (Rzepka, 2019: 215)

پوشش مدرسه دوشیزگان

انتخاب پوشش در جامعه سنتی به سادگی امکان پذیر نبود. حفظ شکل سنتی لباس و تابعیت آن از سنن منطقه ای و قبیله ای از ویژگی های جامعه سنتی ایران بود. از همین رو در مدارس جدید

و خصوصا مدارس میسیونری شکل جدیدی از لباس‌های یکسان و ماکوژ از لباس مدارس غربی با رعایت سنن مذهبی ایران استفاده می‌کردند. فرم لباس دختران شامل شلوار و کت و دامن بلند که زیر آن جلیقه مشکی و بلوز سفید بود همچنین علامت مخصوص مدرسه نیز روی یقه لباس دانش‌آموزان قرار داشت (عکس شماره ۳). فرم دبیران این مدرسه هم لباس بلند سفید همراه با کمر بند و پایپون مشکی بود. (عکس شماره ۴) بدین ترتیب دختران تحصیل کرده ایرانی با لباس‌های غربی مانوس شدند و به تدریج از پوشش جامعه سنتی فاصله گرفتند.



عکس شماره ۳: دانش‌آموزان مدرسه دوشیزگان اتحادیه کرمان **عکس شماره ۴:** مدیر و معلمان مدرسه دوشیزگان اتحادیه کرمان

(گنجینه آموزش و پرورش کرمان، موزه آگرا) (گنجینه آموزش و پرورش کرمان، موزه آگرا)

برخلاف مراکز آموزشی سنتی ایران که از هرگونه امکان رفاهی محروم بود در مدارس تبشیری و میسیونری امکاناتی فراهم می‌شد که موجبات رفاه دانش‌آموزان را فراهم کرده و به تمرکز بیشتر در آموزش و تربیت منجر می‌گردید. بدین وجه در این مدارس آشپزخانه و اتاق نهارخوری و ویژه دانش‌آموزانی بود که ناهار خود را به مدرسه می‌آوردند. یک اتاق به نام قرائت‌خانه برای مطالعه روزنامه و مجله در اختیار دانش‌آموزان بود. همچنین توجه به ورزش از برنامه‌های آنان بود و تیم‌های ورزشی چون بدمینتون، والیبال و تنیس در مدارس وجود داشت، برای بازی والیبال از محوطه بزرگ بیمارستان مرسلین استفاده می‌شد. ارتباط بین مدرسه و بیمارستان دو سویه بود به گونه‌ای که شاگردان بیمار مدرسه در بیمارستان بستری، مداوا و حتی تحت عمل جراحی قرار می‌گرفتند و از سوی دیگر بعضی از کارکنان بیمارستان چند ساعتی در مدرسه تدریس می‌کردند. (روح‌الامینی، نادری، صفا، ۱۳۸۴: ۱۳۵ و ۵۵۱)

دانش‌آموزان مدارس میسیونری

دانش‌آموزان مدارس انجمن تبلیغی جزء نخستین دانش‌آموختگان آموزش نوین در کرمان بودند که بسیاری از آنها پس از اتمام تحصیلات در وزارت فرهنگ و معارف و سایر ارگان‌های دولتی و بعضی هم در مدارس مرسلین و دوشیزگان اتحادیه به عنوان معلم مشغول به کار شدند، از آن جمله می‌توان به عباس صباحی، خدیجه ناهیدی، ایران رشید فرخی و غیره اشاره نمود. (سند شماره ۲۱)

موانع فعالیت مدارس انجمن

مشکلات مالی

در سال‌های نخست تاسیس مدارس میسیونری تحصیل برای عموم کودکان رایگان بود، مدارس با هزینه انجمن‌های تبلیغی مسیحی اداره می‌شد و گاهی دولت‌های غربی به‌ویژه انگلستان به این مدارس کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را که شامل لوازم‌التحریر، کتاب، لوازم ورزشی، لوازم دفتری و غیره می‌شد به مدارس اعطا می‌کردند. (ساکما، ۳۱۰/۰۵۴۶۱۶، ۵) البته در سال‌های بعد با گسترش فضای آموزشی و افزایش تعداد دانش‌آموزان دیگر امکان تحصیل رایگان برای همه فراهم نبود و بسیاری از دانش‌آموزان مجبور به پرداخت شهریه شدند، این مساله موجب کاهش تعداد و تغییر پایگاه طبقاتی و اجتماعی دانش‌آموزان گردید که این امر تاثیرگذاری مدارس را کم کرد. با این رویکرد، جامعه هدف در مدارس میسیونری اقشار بالای جامعه و متمولین شدند که به لحاظ جایگاه و موقعیت اجتماعی حاضر به گذر از سنت به نوگرایی باشند و بتوانند با شرایط جدید هماهنگ و همراه گردند. در شرایط جدید شهریه مدرسه برای هر نفر ماهی سه تومان بود که بایستی به صورت نقدی اول هر ماه پرداخت می‌شد. شرایط مدرسه به‌گونه‌ای پیش رفت که گاهی از پذیرش دانش‌آموزان محروم خودداری می‌کرد، به عنوان نمونه خدیجه فلاحت یکی از دانش‌آموزان کرمانی به دلیل بی‌بضاعتی از مدرسه اخراج شد. (روح‌الامینی: ۱۳۸۶: ۶۲) این مساله تا آنجا پیش رفت که آنها از دولت ایران تقاضای دریافت اعانه نمودند، برای نمونه در نامه‌ای رئیس مالیه کرمان از خزانه داری کل تقاضای سالی ۳۶۰ تومان اعانه به مدارس هیات اوانژلیک کرمان را کرد اما آن اداره متذکر شد که آنها در ابتدا موظف به رسیدگی به مدارس ملی و سپس به مدارس خارجی هستند آن‌هم به شرطی که موسس

این مدارس هیات‌های مذهبی نباشند و بدین صورت تقاضای رئیس مالیه کرمان را رد شد. (ساکما، ۱۷۴۵۱/۰۲۹۷، ۳۷)

موانع مذهبی

تبلیغ آشکار آموزه‌های مسیحیت در مدارس انجمن تبلیغی و رواج روز افزون فرهنگ غربی، واکنش جامعه ایرانی را در پی داشت به گونه‌ای که مردم و روحانیون شهر نسبت به این اقدام جامعه میسیونری واکنش نشان دادند، از سوی دیگر حکومت هم نسبت به این موضوع بی تفاوت نبود، و از آنجا که کودکان سریعتر تحت تاثیر قرار می گرفتند، دولت و وزارت معارف ثبت نام دانش آموزان ایرانی را در مدارس ابتدایی خارجی ممنوع کرده و تذکر داده بود که ممکن است در برخی نواحی دور افتاده به این قانون توجه نشود، پس باید تفتیش کرد و اگر موردی پیدا شد ضمن درخواست اخراج دانش آموز، سریعاً مراتب را اطلاع دهید. (ساکما، ۳۱۲۴۶/۰۲۹۷، ۲۱)

حضور و فعالیت‌های میسیونرهای انجمن تبلیغی CMS از چند جهت قابل تحلیل و تامل است:
۱- تاسیس این مدارس توسط خارجی‌ان در واقع برای تبلیغ آیین مسیحیت بود از این رو استعمارگران انگلیسی با گسترش فرهنگ غربی در مدارس بهتر می توانستند مسلمانان را تحت نفوذ خود قرار دهند.

۲- آموزش علوم نوین و زبان انگلیسی و فراگیری آن توسط دانش آموزان به تاثیرگذاری فرهنگی بر آنان منجر می گردید و به آنان اجازه استفاده از دستاوردهای تمدنی غرب را می داد. از سویی دیگر آموختن زبان انگلیسی موجب آشنایی ایرانیان با علل پیشرفت غربیان و واماندگی خود می شد. (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۹) همچنین کارگزاران انگلیسی می توانستند روابط بازرگانی و داد و ستد خود را گسترش دهند و امکان نفوذ سیاسی خود را هموار سازند.

اما در هر صورت تلاش‌ها و اقدامات انجمن تبلیغی آنچنان که امیدوار بودند مؤثر واقع نشد و مسلمانان و اقلیت‌های دینی به ندرت به مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا پاسخ مثبت دادند.

نتیجه

کشورهای اروپایی برای گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی و مذهبی که مهمترین دلایل توجه آنها به جوامع شرقی و سنتی بود شروع به اعزام هیات‌های تبشیری و علمی نمودند و کم‌کم توانستند با ترویج آرمان‌ها و اهداف خود، تغییراتی را در ساختار سنتی کشورهای جهان سوم ایجاد کنند. این دگرگونی پس از انقلاب مشروطه، جامعه سنتی ایران زمان قاجار را به سمت مدرنیته سوق داد و سبب گردید که آموزش در دوره قاجار، از شیوه سنتی آن خارج و علوم به شیوه جدید گسترش یابد.

در این زمینه می‌توان به چند نکته اشاره نمود:

نخست: اینکه در این مدارس آموزش مبتنی بر «آموزش فوتیک الفبا» را به کار می‌بردند که این شیوه در افزایش توانایی خواندن و نوشتن دانش‌آموزان بسیار مفید و اثرگذار بود.

دوم: مدارس نوین، رشته‌های درسی جدیدی مانند علوم، تاریخ، جغرافیا و زبان‌های اروپایی را که در مکتب خانه‌های سنتی تدریس نمی‌شد، وارد برنامه‌های آموزشی کردند. برنامه تحصیلی این مدارس ترکیبی از مواد آموزشی مدارس به سبک اروپایی و دروس اصلی مانند شرعیات، عربی و زبان فارسی بود که در مدارس سنتی تدریس می‌شد.

حوزه فعالیت مبلغان مذهبی در ایران بیشتر در دو نهاد آموزشی و درمانی با تاسیس مدارس و بیمارستان‌ها به سبک نوین پیگیری شد. در کرمان میسیونرهای مذهبی با ایجاد مراکز آموزشی اقدامی مهم جهت ارتقای سطح سواد و زندگی عموم مردم برداشتند. هرچند بر اساس اسناد بدست آمده این موضوع واضح است که اقدامات عام المنفعه انجمن در وهله اول برای تبلیغ مسیحیت، ترویج فرهنگ غربی و گسترش نفوذ سیاسی - اقتصادی و مذهبی جهت پیشبرد اهداف استعماری و سلطه جویانه حکومت بریتانیا بوده است اما مدارس مرسلین و دوشیزگان با آموزش‌های نوین و پذیرش تعداد زیادی از دانش‌آموزان این شهر توانستند دانش آموختگان زیادی را به جامعه عرضه کنند که این امر موجب ارتقای سطوح دانش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر کرمان شد، در مجموع می‌توان گفت که اقدامات آموزشی به جلب نظر مردم به سوی فرهنگ غربی کمک می‌کرد و راه نفوذ آنان را در جامعه ایران هموار می‌نمود.

منابع و مأخذ

الف: کتاب‌ها

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۶۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران، پدیده.
۲. اسفندیار، محمودرضا (۱۳۸۶). نگاهی به مجادلات قلمی هنری مارتین و عالمان عصر قاجار درباره نبوت، پژوهشنامه ادیان، سال اول، شماره ۲، صص ۵۸-۲۹.
۳. امید، حسین (۱۳۳۲). تاریخ فرهنگ آذربایجان، تبریز، اداره فرهنگ آذربایجان.
۴. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۱). از سیر تاپیاز، تهران، نشرعلم.
۵. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۸). پیر سبزپوشان، تهران، نشرعلم.
۶. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۳). خود مشیت مالی، تهران، نشرعلم.
۷. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۰). زیر این هفت آسمان، تهران، نشرعلم.
۸. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۴). زیر چل چراغ توی شاه چراغ، تهران، نشرعلم.
۹. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۸). محبوب سیاه و طوطی سبز، تهران، نشرعلم.
۱۰. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۸). گرگ پالان دیده، تهران، نشرعلم.
۱۱. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۷). هفت عروس و یک داماد، تهران، نشرعلم.
۱۲. برومند، صفورا (۱۳۸۱). پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۳. پاطر، ج.ل (۱۲۸۲). بیان اصول و فروع دین مسیحی انجیلی، طهران. میرزا آقا صحاف.
۱۴. ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸). اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۱۵. تشکری، علی‌اکبر (۱۳۹۴). نگرشی بر عملکرد مبلغان پروتستان در یزد عهد قاجار، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۵۹-۳۳.
۱۶. حاجیان‌پور، حمید، خاموشی، موسی (۱۳۹۵). میسیونرهای امریکایی و فعالیت در میان نسطوریان ارومیه و روستاهای اطراف آن (۱۸۴۳-۱۸۳۵م/۱۲۵۹-۱۲۵۱ق)، جستارهای تاریخی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۴۴-۱۹.

۱۷. دنسترویل، لایونل چارلز (بی‌تا). خاطرات ژنرال دنسترویل سرکوبگر جنگل، ترجمه حسین انصاری با مقدمه تحلیلی و فهرس علی دهباشی، تهران، انتشارات کتاب فرزانه.
۱۸. رشیدی، شمس‌الدین (۱۳۶۲). سوانح عمر، تهران، انتشارات تاریخ ایران.
۱۹. رمضان، رضا (۱۳۸۳). سیر تجدد زدگی نظام آموزشی دختران در ایران معاصر، معرفت، شماره ۸۶، بهمن، صص ۱۱۷-۱۱۰.
۲۰. روح‌الامینی، فاطمه بیگم، نادری، شهناز، صفا، عزیزالله (۱۳۸۴). آموزش و پرورش کرمان در آینه تاریخ، کرمان، انتشارات آفتاب کرمان.
۲۱. روح‌الامینی، فاطمه بیگم (۱۳۸۶). مدارس کرمان در دوره مشروطه، گنجینه اسناد، شماره ۶۶، تابستان، صص ۸۲-۵۷.
۲۲. رهدار، احمد (۱۳۸۶). تبشیریه‌ها در عهد قاجار، عملکرد مبلغان مسیحی در دوره قاجار. موعود، ۷۵، صص ۳۲-۲۷.
۲۳. رینگر، م. مونیکا (۱۳۷۹). مدارس نوین در ایران قرن نوزدهم رهیافت بومی برای مساله نوسازی، مترجم فاطمه امان، ایران نامه، شماره ۷۰، صص ۸۶-۷۳.
۲۴. سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۷۶). تاریخ تحولات مدارس در ایران، تهران، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور.
۲۵. شوادران، بنجامین (۱۳۵۲). خاورمیانه نفت و قدرت‌های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۲۶. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۷. محمدی، ذکراالله؛ محمدی، قدرت (۱۳۸۸). ریشه‌یابی علل حضور پزشکان انگلیسی در ایران عصر قاجار و نقش آنها در مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی آن زمان، تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۹ و ۳۸، بهار و تابستان، صص ۲۲-۱.
۲۸. مرشدلو، جواد (۱۳۸۵). فعالیت مبلغان مسیحی در ایران و واکنش جامعه ایرانی (۱۲۶۴-۱۲۱۳/ ۱۷۹۷-۱۸۴۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. میروشنیکف، ل. ی (۱۳۴۴). ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخانیاتی، تهران، امیرکبیر.
۳۰. ناطق، هما (۱۳۷۵). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، چاپ اول پاریس، تهران، انتشارات خاوران.

۳۱. نظری، مرتضی (۱۳۷۱). بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۲. نقیعی، مصطفی (۱۳۹۳). تاریخچه آموزش و پرورش استان کرمان در دوره مشروطیت، بافت، عصر مدرن.
۳۳. والدبورگر، آ (۱۳۷۹). مبلغان آلمانی در ایران، ترجمه علی رحمانی و دیگران، تهران، وزارت امور خارجه.
۳۴. همراز، ویدا (۱۳۹۷). تحلیلی بر فعالیت و سیاست‌های آموزشی مبلغان پروتستان آمریکایی در ایران دوره قاجار، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال ۱۶، شماره ۶۲، پاییز، ۱۲۱-۱۰۰.
35. Bird, Mary(1908). *Persian Women and Their Creed*, London, Church Missionary Society.
36. Borumand, Safura(2022), The Issue of Self and Other : The Identity Challenge of Victorian Women (Case Study : CMS Women's Interaction with Women of Qajar Era, *The International Journal of Humanities*, Vol. 29 – Issue 3, 25-41.
37. Francis-Dehqani, Gulnar Eleanor(1999). *Religious feminism in an age of empire: CMS women missionaries in Iran, 1869-1934*, University of Bristol.
38. Hume - Griffith, M. E(1909). *Behind the Veil in Persia and Turkish Arabia*. London.
39. Rzepka, Marcin(2019). To Make Christianity More Iranian Studying the Conversions to Christianity in iran in the Early Pahlavi Period, *Studia Litteraria Universitatis Jagellonicae Cracoviensis*, special issue, pp. 209-218.
40. Rice, Clara(1916). *Mary Bird In Persia*, London Church Missionary Society Salisbury Square.
41. Wilson Cash, W(1930). *Persia old and new*, London, Church Missionary Society.

ب: اسناد

۴۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۸۰/۰۴۲۰/۲۳۰.
۴۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۸۰/۰۱۱۶۳۰/۲۹۷.

۴۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۹۷/۰۱۷۴۵۱.

۴۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۹۷/۰۱۷۸۷۳.

۴۶. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۹۷/۰۷۷۸۷.

۴۷. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۹۷/۳۱۲۴۶.

۴۸. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۱۰/۰۵۳۶۵۸.

۴۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۱۰/۰۵۴۶۱۶.

۵۰. گنجینه آموزش و پرورش کرمان، موزه آگیرا.

51. Anonymous. **CMS Proceedings, 1900-1921, Church Missionary Society Archive**. Cadbury Research Library: Special Collections, University of Birmingham.
52. **Eastward Ho**, (1936), No.46. Cadbury Library Research: Special Collection, University of Birmingham. AltRefNo: CMS.
53. **Letters from the Front**, (1911), Cadbury Library Research: Special Collection, University of Birmingham. AltRefNo: CMS.